

امام علی (ع) و مدیریت عواطف در خطبه‌های «شقیه» و «جهاد»

نوذر عباسی*

مرتضی قائمی**، مسیب یارمحمدی واصل***

چکیده

هوش هیجانی یا «EQ» و به زبان عربی «الذكاء العاطفی» مبحثی روان‌شناختی است که به شناخت و کنترل عواطف و هیجان‌های انسان می‌پردازد. این اصطلاح برای اولین بار در دهه ۱۹۹۰ از سوی روان‌شناسی به نام «سالووی» برای بیان کیفیت و درک احساسات افراد، هم‌دردی با احساسات دیگران و توانایی کنترل صحیح خلق و خو به کار رفت. عاطفه، به منزله پل ارتباطی میان روان‌شناسی و ادبیات، از مهم‌ترین عناصر چهارگانه ادبی به شمار می‌رود که در آثار ادبی نقشی حیاتی دارد. نهج‌البلاغه نیز یادگار امام علی (ع)، سرچشمه و آبشخور فصاحت و بلاغت است که به عنوان اثر علمی و ادبی بسیار مهم شناخته شده است. بررسی خطبه‌های نهج‌البلاغه نشان می‌دهد که علی (ع) از هر دو شایستگی فردی و اجتماعی هوش عاطفی برخوردار بوده است؛ زیرا شناخت و کنترل هیجانات و مدیریت آن برای پیش‌برد امور در تدابیر، اندرزاها و شکوه‌های ایشان کاملاً مشهود است. بررسی هوش عاطفی و مدیریت هیجانات امام علی (ع) در دو خطبه «شقیه» و «جهاد»، به عنوان مثنی نمونه از خروار، نشان می‌دهد که ایشان تا چه اندازه در مدیریت هیجانات خویش و کنترل صحیح آن‌ها موفق بوده است.

کلیدواژه‌ها: هوش هیجانی، نهج‌البلاغه، شقیه، جهاد، امام علی (ع).

۱. مقدمه

نهج‌البلاغه مجموعه‌ای از سخنان زیبای علی (ع) است که از نظر اهمیت در جای‌گاهی قرار

* دانش‌جوی دکتری زبان و ادبیات عرب، دانشگاه سمنان (نویسنده مسئول) nozar_65@yahoo.com

** دانشیار زبان و ادبیات عرب، دانشگاه بوعلی سینا nozar_65@yahoo.com

*** استادیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه بوعلی سینا nozar_65@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۸/۲۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۰/۱۸

گرفته که اگر بگوییم میان آثار نویسندگان کتابی در عظمت لفظ و معنی به پایه آن نمی‌رسد، سخن به‌گزارف نگفته‌ایم. این اثر در ترازوی بلاغت و اعجاز جای‌گاه برادری قرآن را دارد. کتابی که مورد اعجاب دوست و دشمن، حتی بیگانگان اسلام، قرار گرفته است و یادگاری است به‌جامانده از امیر بیان، علی (ع)، که در آن‌گاه با عاطفه و هیجانی برخاسته از عمق وجود مردمان را خطاب قرار داده و در بسیاری مواقع اندرزها و حکمت‌های خود را با تکیه بر احساسات درونی خویش بیان فرموده است. در بسیاری از خطبه‌های نهج‌البلاغه کاملاً پیداست که عاطفه برخاسته از هیجان درونی قلم بلاغت را در میان انگشتان امام (ع) قرار داده تا سطر سطر خطبه را با بیانی آن چنان شیوا بنگارد و هر واژه را با تن‌پوشی از عاطفه آمیخته با فصاحت شانه به شانه هم بچیند و مُعْجِزِی چون نهج‌البلاغه بیافریند. پس با شناخت بُعد احساسی و غنای عاطفی این اثر می‌توان برخی خطبه‌های آن را سطر به سطر در چهارچوب مؤلفه‌های هوش عاطفی و نمونه‌ای برای بهترین شیوه مدیریت احساس و هیجان قرار داد؛ زیرا از آن‌جا که نهج‌البلاغه گزارشی واقعی از زندگی و دوره حیات امام علی (ع) است، هر کدام از مشکلات و بحران‌های ایشان سؤالی برای سنجش هوش عاطفی و واکنش امام (ع) پاسخی بدان سؤال است. بنابراین، جا دارد دو خطبه مهم شششقیه و جهاد را از زاویه هوش عاطفی امام علی (ع) بررسی کنیم.

۲. سؤالات پژوهش

با توجه به پیوند عمیق میان عواطف و احساسات امام علی (ع) با بیان ایشان چنین سؤالاتی به ذهن خطور می‌کند که:

- امام علی (ع) کدام‌یک از انواع هیجانات را در نهج‌البلاغه جای داده و تمرکز ایشان بیش‌تر بر کدام‌یک بوده است؟ و یا عوامل موفقیت امام علی (ع) در مدیریت هیجانات خویش متناسب با مقتضای حال چیست؟

۳. سابقه و ضرورت انجام پژوهش

ضرورت انجام این پژوهش درک بهتر مفاهیم نهج‌البلاغه در نتیجه تحلیل آن از بعد روان‌شناسی و با محوریت هوش عاطفی است که اساس آن تمرکز بر احساسات و عواطف درونی امام علی (ع) است و بی‌شک تفسیر این اثر ارزش‌مند از بعد روان‌شناسی و از زاویه‌ای نو ما را در درک هر چه بیش‌تر مفاهیم دینی، اخلاقی و علمی آن یاری خواهد

داد. در زمینه تحلیل محتوایی *نهج البلاغه* یا هر اثر دیگری از دیدگاه روان‌شناسی و تحت مبحث هوش عاطفی تا به حال هیچ کاری انجام نشده است؛ اما پیرامون هوش عاطفی و بررسی آن در سطوح مختلف سازمانی، اجتماعی، مدیریت و ... تلاش‌هایی در قالب کتاب و مقاله به انجام رسیده که از جمله آن‌ها کتاب‌های *هوش عاطفی و معنویت* از پرویز شریفی درآمدی و *فنون/افزایش هوش عاطفی در کودکان* از دانیل گلن با ترجمه منا خاطری و مقالاتی هم‌چون «بررسی تأثیر هوش هیجانی بر روابط اجتماعی» از محمدعلی بشارت و «بررسی رابطه هوش هیجانی و پیشرفت تحصیلی در دانش‌جویان» از علی‌اکبر ثمری و هم‌کاران را می‌توان نام برد.

۴. هوش عاطفی

هوش عاطفی / هیجانی (emotional intelligence) ترکیب عاطفه با شناخت یا هیجان با هوش است. اگرچه تعاریف متعددی از آن ارائه شده، اما تعریف کلی از آن چنین بیان شده که: «هوش عاطفی توانایی درک و فهم هیجان‌ها و عواطف است به منظور تعمیم آن به عنوان حامی اندیشه، شناخت هیجان‌ها و دانش هیجانی تا بتوانیم آن‌ها را نظم بدهیم تا موجبات رشد عقلی، عاطفی و هیجانی فراهم گردد» (آقایار و شریفی، ۱۳۸۶ ب: ۲۰). هوش عاطفی یعنی توانایی مهار عواطف و تعادل برقرار کردن بین احساسات و منطق، به طوری که ما را به حداکثر خوشبختی برساند. منظور از هوش عاطفی همان توانایی شناخت، درک و تنظیم هیجان‌ها و استفاده از آن‌ها در زندگی است. با ادغام همه تعاریف پیرامون هوش عاطفی می‌توان آن را چنین معرفی کرد که: «هوش عاطفی یک آرایه چندعاملی از توانایی‌های هیجانی، شخصی و اجتماعی به هم مرتبط است که به ما کمک می‌کند با توقعات هر روزی کنار بیاییم» (کیاروچی و هم‌کاران، ۱۳۸۵: ۱۴۲). هوش عاطفی یعنی داشتن مهارت‌هایی برای شناخت خود و نیز درک افکار، عواطف و احساسات و در نتیجه رفتار خود. هوش عاطفی به فرد می‌آموزد که علاوه بر شناخت احساسات خود، واکنش‌ها و عواطف دیگران را نیز به سرعت دریابد؛ در نتیجه به راحتی می‌تواند با افراد ارتباط برقرار کند و حتی در مرحله‌ای بالاتر دیگران را رهبری و سازمان‌دهی کند.

دانش‌مندان بسیاری هم‌چون ریون بارون (Reuven Baron)، میتچ آدلر (Mitch Adler)، و کری کرنیس (Carey Canish) به مطالعه و تحقیق پیرامون هوش عاطفی پرداختند، اما «تعریف قابل قبول از هوش عاطفی توسط پیترو سالووی و جان مهیر در مقاله‌ای با عنوان «هوش عاطفی» در سال ۱۹۹۰ مطرح شد که در آن مقاله هوش عاطفی را از نظر علمی

هوشی آزمون‌پذیر و قابل اندازه‌گیری می‌دانستند» (آقایار و شریفی، ۱۳۸۶ ب: ۲۰). بعدها دانیل گلدمن، روان‌شناس امریکایی، که به عنوان مبدع هوش عاطفی شناخته شده است؛ از نتیجه تحقیقات پیتر سالووی، جان مهیر و سایرین، کتاب پرفروش خود با نام هوش هیجانی را در سال ۱۹۹۰ نوشت.

همان‌طور که اشاره شد دو روان‌شناس امریکایی به نام‌های پیتر سالووی از دانشگاه ییل (Yale University) و جان مهیر از دانشگاه نیوهامپ شایر (New Hampshire) از دانش‌مندان محقق در زمینه هوش عاطفی بودند، ایشان ضمن ارائه تعاریفی از هوش عاطفی اجزای آن را متشکل از پنج عنصر به شرح زیر دانستند.

۱.۴ شناخت عواطف / هیجان شخصی

خودآگاهی، تشخیص احساس به همان صورتی که بروز می‌کند، سنگ بنای هوش عاطفی است (گلدمن، ۱۳۸۳: ۷۳). منظور از آگاهی هیجانی این است که تا چه اندازه هیجانات خود را می‌شناسیم و این که بدانیم در موقعیت‌های مختلف آنچه بر ما حاکم است چیست. یکی از ابعاد آگاهی هیجانی این است که مثلاً به‌رغم این که در جلسه‌ای کاری خشمگین می‌شویم، اما چون بر نقش خود و منافع ملی و سازمانی خود واقفیم، آگاهانه و هوشیارانه عمل می‌کنیم. افرادی که احساس واقعی خود را درک می‌کنند بهتر می‌توانند تصمیمات صحیح بگیرند (آقایار و شریفی، ۱۳۸۶ ب: ۵۹) و به عبارتی بهتر می‌توانند زندگی خود را هدایت کنند.

۲.۴ کنترل صحیح هیجان

مهارت‌های هیجانی یا قدرت تنظیم احساسات خود توانایی‌ای متکی بر حس خودآگاهی است (گلدمن، ۱۳۸۳: ۷۴). خود-مدیریتی یا همان کنترل هیجان یعنی این که بتوانید واکنش‌های هیجانی خود را در برابر همه افراد و موقعیت‌های مختلف کنترل کنید. با در اختیار گرفتن هشیارانه هیجان‌ها می‌توان مانع غلبه آن‌ها بر خود شد و نیز با استفاده صحیح از هیجان‌ها، محیط روانی اطراف مساعد و زمینه‌یادگیری تقویت می‌شود. افرادی که به لحاظ این توانایی ضعیف‌اند، دائماً با احساس نومیدی و افسردگی دست به گریبانند؛ در حالی که افراد دارای این مهارت نامالایمات زندگی را بهتر تحمل می‌کنند (آقایار و شریفی، ۱۳۸۶ ب: ۵۹) و با سرعت بیش‌تری می‌توانند سختی‌ها و مشکلات را

پشت سر بگذارند و نیز «واکنش‌های عاطفی خود را در مقابل همه مردم و شرایط مختلف کنترل می‌کنند» (برادبری و گریوز، ۱۳۸۶: ۱۲۱).

۳.۴ خودانگیزی (برانگیختن خود)

افراد دارای این مهارت در زمینه کاری بسیار موکد، اثربخش، و خلاق‌اند (آقایار و شریفی، ۱۳۸۶ ب: ۵۹)؛ «زیرا برای عطف توجه، برانگیختن شخصی، تسلط بر نفس خود و برای خلاق بودن لازم است سکان رهبری هیجان‌ها را در دست گرفت تا بتوان به هدف خود دست یافت» (گلدمن، ۱۳۸۳: ۷۴). به بیان دیگر انگیزش توانایی انرژی دادن به دیگران و هدایت رفتار آنان به‌رغم داشتن روحیه ضعیف است. در انگیزش از هیجان‌ها به منزله ابزاری برای رسیدن به اهداف استفاده می‌کنیم. تعریف ساده خودانگیزی همان خویشتن‌داری عاطفی و به تأخیر انداختن کام‌رواسازی است که نمونه بارز و آشکار این جنبه از هوش عاطفی در تحقیق «والتر میشل» (Walter Mischel)، روان‌شناس، جلوه یافت که کودکان چهارساله را طی منتظر گذاشتنشان برای شیرینی آزمود (گلدمن، ۱۳۸۳: ۱۲۱).

۴.۴ شناخت عواطف / هیجان‌های دیگران (هم‌دلی)

اساسی‌ترین مهارت مرتبط با افراد توانایی ابراز هم‌دلی است (آقایار و شریفی، ۱۳۸۶ ب: ۵۹). مبنای این مهارت شناخت و درک وضعیت هیجانی خود و آثار مرتبط با آن است. به عبارت دیگر «توانایی دیگری است که بر خودآگاهی عاطفی متکی است» (گلدمن، ۱۳۸۳: ۷۴). بنابراین هر چقدر نسبت به احساسات خود گشاده‌تر باشیم در دریافت احساسات دیگران ماهرتر خواهیم بود. افرادی که هم‌دلی بیشتری با دیگران دارند با دقت به علائم اجتماعی، که نشان‌دهنده نیازها یا خواسته‌های دیگران است، توجه می‌کنند و آن‌ها را درمی‌یابند. هم‌دلی توانایی هم‌دردی با احساسات دیگران و شناخت دیدگاه آن‌هاست و نیز توانایی شناخت و نفوذ بر حالت هیجانی دیگران و یا آگاهی نسبت به احساسات، نیازها و علایق دیگران است. هم‌دلی نیاز به دقت و ظرافت دارد و به معنای دیگر وارد شدن به حریم احساس دیگران است.

۵.۴ حفظ روابط

بخش عمده‌ای از هنر برقراری ارتباط، مهارت کنترل عواطف در دیگران است (همان). مدیریت رابطه محصول سه مهارت هیجانی خودآگاهی، خودمدیریتی، و آگاهی اجتماعی

است (برادبری و گریوز، ۱۳۸۶: ۲۳). بر این اساس می‌توان آن را این‌گونه تعریف کرد که: مدیریت رابطه عبارت است از توانایی به‌کارگیری آگاهی از هیجان‌های خود و دیگران برای مدیریت تعامل‌ها. افرادی که در این مهارت‌ها توانایی زیادی دارند، در هر آن‌چه به کنش متقابل آرام با دیگران باز می‌گردد به‌خوبی عمل می‌کنند (گلدمن، ۱۳۸۳: ۷۴). «اینان افرادی خوش‌برخورد و ممتاز در روابط اجتماعی تلقی می‌شوند و قابلیت‌شان باعث می‌شود که در رهبری، تعاملات فردی و ابراز عقیده اثربخش باشند» (آقایار و شریفی، ۱۳۸۶ ب: ۶۰).

با توجه به آن‌چه پیرامون هوش هیجانی گفته شد می‌توان برای آن چهار مهارت اصلی در نظر گرفت: ۱. خودآگاهی، ۲. خودمدیریتی، ۳. آگاهی اجتماعی، و ۴. مدیریت رابطه. چنانچه فرد بتواند این مهارت‌ها را در خود پرورش دهد، و به عبارتی از یک سو هیجان‌های خویش را دقیق بشناسد و مدیریت کند، و از سوی دیگر هیجان‌های دیگران را نیز بشناسد و این شناخت را برای پیش‌برد اهداف خویش به کار گیرد، می‌توان گفت که این فرد دارای هوش هیجانی بالایی است و همه قابلیت‌های فردی و اجتماعی آن را دارد. دانیل گلدمن در کتاب هوش هیجانی خود همه مؤلفه‌های هوش هیجانی را ذیل دو قابلیت فردی و اجتماعی آورده است که در این‌جا به صورت جدول‌بندی ارائه شده و به دنبال آن نمونه‌های موجود در دو خطبه مورد نظر، ششقیه و جهاد، با آن‌ها تطبیق داده می‌شود.

۵. قابلیت‌های فردی

خودآگاهی	آگاهی هیجانی: شناخت/ درک هیجان‌های خود و آثار آن خودارزیابی صحیح: شناخت/ درک نقاط قوت، ضعف و محدودیت‌های خود خودباوری: احساس لیاقت، ارزش‌مندی، و توان‌مندی
خودگردانی	خودکنترلی: جلوگیری از بروز اختلالات هیجانی و تکانش‌های موجود وظیفه‌شناسی: پذیرش مسئولیت در قبال عملکرد فردی قابل اعتمادی: حفظ معیارهای صداقت و درست‌کاری انطباق‌پذیری: انعطاف در پذیرش تغییر و کنترل آن نوآوری: سازگاری رد مواجهه با ایده‌ها، راه‌کارها و اطلاعات جدید و بکر
انگیزش	رشدگرایی: تلاش برای بهبود یا رسیدن به معیارهای برتر تعهد: هم‌سوئی با اهداف گروه یا سازمان ابتکار: آمادگی استفاده از فرصت‌ها خوش‌بینی: جدیت در رسیدن به اهداف به جای دیدن موانع و عوامل بازدارنده

۶. قابلیت‌های اجتماعی

<p>شناخت/ درک دیگران: شناخت عواطف و دیدگاه دیگران و تأثیر آن در تصمیمات بالندگی دیگران: اعتقاد به رشد دیگران و تقویت توانایی‌های آن‌ها خدمت‌مداری: پیش‌بینی، شناسایی و ارضای نیازهای مشتریان هدایت تنوع: رشد فرصت‌ها از طریق به‌کارگیری افراد با فرهنگ‌ها و نژادهای مختلف آگاهی سیاسی: مطالعه هیجان گروه و قدرت روابط</p>	<p>هم‌دلی</p>
<p>نفوذگذاری: استفاده از فنون اثربخش برای متقاعد کردن دیگران ارتباطات: گوش دادن درست و ارسال پیام‌های قابل قبول مدیریت تضاد: گفت‌وگو و رفع مخالفت‌ها رهبری: تقویت روحیه و هدایت افراد گروه‌ها تسریع تغییر: ابتکار یا مدیریت کردن تغییر پیوندسازی: تقویت ابزارهای پیوندسازی و ارتباطی تشریک مساعی و مشارکت: کار گروهی به منظور رسیدن به اهداف مشترک ظرفیت‌های گروهی: ایجاد هم‌افزایی در گروه برای رسیدن به اهداف جمعی</p>	<p>مهارت‌های اجتماعی</p>

۷. امام علی (ع) و مدیریت عواطف

منظور از مدیریت عواطف همان بهره‌مندی از هوش عاطفی بالاست که البته نتیجه تبلور هوش عاطفی در فرد مدیریت عواطف خواهد بود. پیش از این نیز گفتیم که مدیریت عواطف نه به معنای کنترل و یا سرکوبی عاطفه بلکه در دست گرفتن صحیح آن برای رسیدن به هدف‌های والاست. اولین گام هوش عاطفی، شناخت احساس و عواطف خویش و به عبارتی همان خودشناسی است. همه نظریه‌پردازان هوش عاطفی، شناخت هیجان و خودشناسی را سنگ بنای علم جدید خود یعنی هوش هیجانی می‌نامند. این در حالی است که امام علی (ع) قرن‌ها پیش از این همه تلاش پژوهش‌گران غربی و بی‌خبر از این همه قیل و قال هوش هیجانی با تعابیر گوناگون این مهم را به دنیای پس از خود ارائه داده و می‌فرماید:

– برترین شناخت‌ها این است که انسان خویشتن را بشناسد (خوانساری، ۱۱۲۵: حکمت ۲۹۳۵)؛

– خودشناسی سودمندترین شناخت‌هاست (همان: حکمت ۹۸۶۵)؛

- حدیث معروف: «من عرف نفسه فقد عرف ربه» کسی که خود را بشناسد خدا را شناخته است (همان: حکمت ۷۹۴۶)؛

- کسی که به خودشناسی دست یابد، به بزرگ‌ترین سعادت و کامیابی رسیده است (همان: حکمت ۹۹۶۵).

هنگامی که فرد بتواند هیجان و احساسات خود و دیگران را بشناسد و آن را به‌درستی مدیریت کند، از این ره‌گذر روابط خود را با ایشان پیوند زده و در نتیجه دارای روابط اجتماعی گسترده‌ای خواهد بود. گلدمن در این باره می‌گوید: «مدیریت رابطه عبارت است از توانایی به‌کارگیری آگاهی از هیجان‌های خود و دیگران برای مدیریت تعامل‌ها. افرادی که در این مهارت‌ها توانایی زیادی دارند، در هر آنچه به کنش متقابل آرام با دیگران باز می‌گردد به‌خوبی عمل می‌کنند» (گلدمن: ۱۳۸۳: ۷۴). حال برای توضیح و تفسیر نظریه گلدمن، چه سخنی می‌تواند زیباتر و دقیق‌تر از کلام امام علی (ع) باشد که می‌فرماید: «انسان ناتوان کسی است که دوست یا هم‌نشینی ندارد، و ناتوان‌تر از او کسی است که دوست خود را به رایگان از دست بدهد» (نهج‌البلاغه، ۱۳۷۹: حکمت ۱۴). بنابراین بررسی این‌گونه احادیث پراکنده امام (ع) در کتب تاریخ و ادب و نیز تطبیق دقیق سخنان ایشان در خطبه‌های نهج‌البلاغه، که در ادامه خواهد آمد، نشان می‌دهد که مقوله مدیریت هیجان‌ها درونی و شناخت آن، پیش از همه در دایرة‌المعارف علی (ع) ظهور یافته است. هم‌چنین پس از هر بار آشنایی با جلوه جدیدی از نبوغ علی (ع) بهتر می‌توان به عمق سخن ستایش‌گران غیرمسلمان آن حضرت راه یافت. آن‌جا که جرج جرداق، متفکر و نویسنده معروف مسیحی، می‌گوید: «ای دنیا! چه می‌شد اگر تمام توان خود را به کار می‌گرفتی و در هر دوره و زمانی بزرگ‌مردی چون علی (ع) با همان عقل و قلب و زبان و همان ذوالفقار به جهان ارمغان می‌دادی؟» (جرداق، ۱۳۷۹: ۱/ ۱۱۴) و نیز شبلی شمیل، یکی از پیش‌تازان مکتب مادی‌گرایی، می‌نویسد: «امام علی بن ابی‌طالب بزرگ‌بزرگان، نسخه‌ای است که نه شرق و نه غرب، نه در گذشته و نه در امروز، صورتی مطابق این نسخه ندیده است» (همان: ۳۳).

۸. خطبه ششقیه

امام این خطبه را، که سومین خطبه نهج‌البلاغه است، «در اواخر سال ۳۸ یا اوایل سال ۳۹، در شکایت از گذشته‌ها، به زبان آورده است» (طالقانی، ۱۳۷۴: ۳۲). خطبه ششقیه را، که مشتمل بر شکایت درباره خلافت و صبر امام در برابر از دست رفتن آن و سپس بیعت مردم با اوست، «مقصه» نیز نامیده‌اند. نام‌گذاری آن به ششقیه از آن رو است که امام (ع)

در پایان خطبه و در پاسخ به درخواست ابن عباس برای ادامه دادن به سخنشان فرمود: «هیئات یا ابن عباس تلک شقیقة هدرت ثم فرت» و «وجه تسمیه مقمصه به جهت آن است که چون در ابتدای این خطبه حضرت گفتند "أما و الله لقد تقمصها فلان" موسوم شد به خطبه مقمصه» (لاهیجانی، ۱۳۴۰: ۲۵).

همان‌طور که اشاره شد امام علی (ع) این خطبه را با بیانی احساسی و سرشار از عاطفه ایراد فرموده است که تأثیر این عاطفه عمیق بر بلاغت گفتار و شیوایی سخن ایشان کاملاً مشهود است. این خطبه و نیز خطبه پس از آن، به‌رغم غنای عاطفی و فزونی نمونه‌های هوش هیجانی آن، شامل همه مؤلفه‌های هوش هیجانی نیست و نمی‌توان روند تطبیق آن را مطابق جدول گلدمن پیش برد. بنابراین، از ابتدای خطبه جمله به جمله پیش می‌رویم و نمونه‌ها را تا پایان خطبه بررسی می‌کنیم و تطبیق می‌دهیم.

۱۸ خودباوری: احساس لیاقت، ارزش‌مندی و توان‌مندی

از همان آغاز خطبه، امام (ع) جای‌گاه خود را نسبت به خلافت همانند جای‌گاه سنگ آسیا به آسیا می‌داند و تشبیهاتی ذکر می‌کند که همگی دال بر خودباوری و احساس لیاقت، ارزش‌مندی و توان‌مندی ایشان نسبت به خود است. ایشان می‌فرماید:

أما والله لقد تقمصها ابن أبي قحافة و أنه ليعلم أن محلي منها محل القطب من الرحي؛ هان! به خدا قسم ابوبکر پسر ابوقحافه جامعه خلافت را پوشید در حالی که می‌دانست جای‌گاه من در خلافت چون محور سنگ آسیا به آسیاست.

يُنحدرُ عني السيل؛ دانش از وجودم هم‌چون سیل سرازیر می‌شود.
ولا يرفي إلى الطير؛ و مرغ اندیشه به قلعه منزلتم نمی‌رسد.

و در ادامه می‌فرماید:

متى اعترض الربيب في مع الأول منهم حتى صرت أقرن إلى هذه النظائر؟! من چه زمانی در برابر اولین آن‌ها در برتری و شایستگی مورد شک بودم که امروز هم‌پایه این اعضای شورا قرار گیرم؟!
قرار گیرم!؟

خودباوری، که سومین بخش از اولین قابلیت فردی یعنی خودآگاهی است، به معنای شناخت ویژگی‌های خود، پذیرش آن‌ها و تکیه کردن به آن‌هاست و در کل مبتنی بر شناخت فرد از توانایی‌ها و احساس لیاقت و ارزش‌مندی نسبت به خود است. این جنبه از شناخت هیجان فردی را در همین چند عبارت امام (ع) به‌راحتی می‌توان دید.

۲۸ خودکنترلی: جلوگیری از بروز اختلالات هیجانی و تکانش‌ها

امام (ع) در ادامه عبارات مربوط به مؤلفه پیشین یکی دیگر از توانایی‌های هیجانی خود یعنی خودکنترلی هیجانی را ابراز می‌دارد. خودکنترلی هیجانی یا جلوگیری از بروز اختلالات هیجانی یکی از جنبه‌های مؤلفه دوم هوش هیجانی یعنی خودگردانی است. ایشان شرایط موجود و مدیریت هیجان خود در آن را این گونه بیان می‌کند:

فَسَدَلْتُ دُونَهَا ثَوْبًا، وَطَوَيْتُ عَنْهَا كَشْحًا، وَطَفَقْتُ ارْتِنَائِي بَيْنَ أَنْ أُصُولَ بَيْدِ جَدَاءٍ، أَوْ أَصْبِرَ عَلَي طَيْخِيَةِ عَمِيَاءٍ، يَهْرُمُ فِيهَا الْكَبِيرُ، وَيَشِيْبُ فِيهَا الصَّغِيرُ، وَيَكْدُحُ فِيهَا مُؤْمِنٌ حَتَّى يَلْقَى رَبَّهُ! فَرَأَيْتُ أَنَّ الصَّبْرَ عَلَي هَاتَا أَحْجَى؛ أَمَا از خلافت چشم پوشیدم، و روی از آن برتافتم، و عمیقاً اندیشه کردم که با دست بریده و بدون یاور بجنگم، یا آن عرصه‌گاه ظلمت کور را تحمل نمایم، فضایی که پیران در آن فرسوده، و کم‌سالان پیر، و مؤمن تا دیدار حق دچار مشقت می‌شوند! دیدم خویشتن‌داری در این امر عاقلانه‌تر است.

امام علی (ع) ابتدا شرایط حاکم را در سختی و جان‌کاهی این گونه به تصویر می‌کشد که پیران را فرسوده و جوانان را پیر می‌کند و از تنهایی و بی‌پناهی خود در امر احقاق حق و به دست گرفتن زمام حکومت، که فریضه‌ای تعیین شده از جانب خداوند بود، با بریده بودن دست خویش تعبیر می‌کند. پس امام (ع) موقعیت را به چالش می‌کشد و پس از بررسی همه ابعاد مسئله به این نتیجه می‌رسد که صبر و خویشتن‌داری عاقلانه‌تر از هر واکنشی است.

با تورتق صحف تاریخ و آگاهی از وضعیت آن برهه از زمان درمی‌یابیم که تصمیم امام علی (ع) برای صبر و دست کشیدن از حق خویش چقدر حکیمانه بوده است؛ زیرا تاریخ به‌خوبی گواهی می‌دهد که منافقان و دشمنان اسلام برای رحلت پیامبر (ص) لحظه‌شماری می‌کردند و اغلب ایشان بر این باور بودند که با رحلت آن حضرت وحدت مسلمانان از بین می‌رود و شرایط برای حرکتی ضد انقلابی فراهم می‌آید و قادر خواهند بود نهال نوپای اسلام را در هم بشکنند. در چنین شرایطی اگر علی (ع) برای گرفتن حق خویش قیام می‌کرد، با توجه به تصمیم‌هایی که برای کنار زدن او از صحنه خلافت از پیش گرفته شده بود، بی‌شک درگیری روی می‌داد و صحنه جامعه اسلامی چنان آشفته می‌شد که راه برای منافقان و دشمنان، جهت رسیدن به نیات سوءشان، هموار می‌شد. «در بعضی از تعبیرات که در تواریخ معروف اسلام آمده، می‌خوانیم: «لَمَّا تَوَفَّى رَسُولَ اللَّهِ (ص) ارْتَدَّتِ الْعَرَبُ وَ اِشْرَأَتِ الْيَهُودِيَّةُ وَ النَّصْرَانِيَّةُ وَ نَجْمُ النَّفَاقِ وَ صَارَ الْمُسْلِمُونَ كَالْغَنَمِ الْمَطْيِرَةِ فِي اللَّيْلَةِ الشَّائِيَةِ؛ هنگامی که پیامبر وفات یافت عرب (جاهلی) بازگشت خود را شروع کرد و یهود و نصارا سر برداشتند و منافقان آشکار گشتند و وارد صحنه شدند و مسلمانان همانند رمة بی‌چوپانی بودند که در

یک شب سرد و بارانی زمستان، در بیابان، گرفتار شده‌اند» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰: ۱/ ۳۳۰). این‌ها همه از یک سو و از سوی دیگر قیام کردن با نداشتن یار و یاور، پیروزی را بر او مشکل می‌کرد و شاید اگر قیام می‌فرمود بسیاری از ناآگاهان این قیام را نه برای مسائل مهم الهی، بلکه به دلیل مسائل شخصی، تفسیر می‌کردند (همان: ۳۳۱). ایشان در جایی دیگر از همین خطبه می‌فرماید:

فَصَبْرْتُ عَلَى طُولِ الْمُدَّةِ، وَ شِدَّةِ الْمِحْنَةِ؛ أَنْ مَدَّتْ طَوْلَانِي رَا نِيْز صَبْر كَرْدَم، وَ بَار سَنَگِيْن هَر بِلَايِي رَا بَه دُوش كَشِيْدَم.

همه این‌ها خود نمونه‌هایی زیبا برای خودکنترلی و مدیریت هیجان از سوی شخصی با هوش هیجانی بالاست.

۳۸ آگاهی هیجانی: شناخت / درک هیجانات خود و آثار آن

امام علی (ع) در بخشی از همین خطبه صبر خویش را با بهترین شیوه استعاری و کنایی به تصویر کشیده و می‌فرماید:

فَصَبْرْتُ وَ فِي الْعَيْنِ قَدِي، وَ فِي الْحَلْقِ شَجَا؛ پَس صَبْر كَرْدَم دَر حَالِي كَه گُويِي دَر دِيْدَهَام خَاشَاك بُوْد وَ غَصَبه رَاه گُلوِيْم رَا بَسْتَه بُوْد.

همین دو جمله به‌تنهایی نشان می‌دهد که علی (ع) تا چه حد از هیجان و احساس درونی خویش آگاه است و از گذر همین عاطفه شفاف، ژرفای اندوه و دلتنگی خود را با بیانی این چنین بلیغ و شیوا بر ما می‌نمایاند. آگاهی هیجانی یا شناخت و درک هیجانات درونی به همان شکل و در زمان ظهور (هیجان‌ها)، اولین بخش از اولین قابلیت فردی یعنی خودآگاهی است که امام متقین (ع) با دو جمله مذکور، که نمونه‌هایی برای این مهارت است، هوش هیجانی بالای خود را اثبات می‌کند.

۴۸ تعهد: هم‌سوئی با اهداف گروه یا سازمان

امیرالمؤمنین (ع) پیوسته در اندیشه نگاه‌داری و پایداری ساختمانی بود که به دست محبوب و مرادش، پیامبر بزرگ، و به یاری بی‌دریغ خود او برافراشته شده بود، لذا پس از درگذشت پیامبر اکرم امیرالمؤمنین با مردم اتمام حجت می‌کند و با دلیل و حجت استوار به افشاگری و آگاه‌سازی می‌ایستد، و حق خود را، که نه حقی شخصی، بلکه حق خدا و خلق بود، خواستار می‌شود، لیکن چون دست‌اندرکاران آن روز، به علل و عواملی، شناخت آن حق بسیار

سنگین، و شنیدن آن گفته‌ها و حجت‌های مسئولیت‌آفرین را مصلحت نمی‌دانند، امیرالمؤمنین نیز برای حفظ همان اصل و خلل وارد نیامدن در همان ساختمان به سکوت و سپس سازش و آن‌گاه هماهنگی و سرانجام فرمان‌برداری دست می‌زند (طالقانی، ۱۳۷۴: ۳۲۲). این خود یکی از زیباترین جلوه‌های هیجانی امام علی (ع) است که ایشان به‌رغم همه ظلم‌ها که دیدند و پس از طی زمانی طولانی با آن چنان صبری جان‌گناه و طاقت‌فرسا، که تحمل آن فقط از کسی چون شخصیت بزرگوار و بردبار ایشان برمی‌آمد، به هنگام تشکیل شورا برای تعیین خلیفه سوم باز هم برای احقاق حق به این شورا تن داد و خود را با گروه هماهنگ کرد. این امر نشان از تلاش امام (ع) برای به مقصد رساندن کجاوه اسلام و رضای نهفته الهی در آن دارد. ایشان با بیان زیبای خویش می‌فرماید که:

لَكِنِّي اسْفَفْتُ إِذْ اسْفَوْتُ، وَ طَرْتُ إِذْ طَارُوا؛ ولی [به خاطر احقاق حق] در نشیب و فراز شورا با آنان هماهنگ شدم.

این‌گونه هماهنگی و همراهی با کسانی که به ظاهر داعیه اسلام دارند، فقط صفت اخلاقی کسی است که هوش هیجانی بالایی دارد و این فاکتور اخلاقی در ذیل قابلیت «تعهد و هم‌سویی با اهداف گروه و سازمان» قرار می‌گیرد که با عنوان انگیزش سومین بخش از مؤلفه خودگردانی است.

۵۸ وظیفه‌شناسی: پذیرش مسئولیت در قبال عملکرد فردی

حضرت علی (ع) در پایان خطبه سرشار از احساس و عاطفه خویش یکی دیگر از مؤلفه‌های هوش هیجانی، یعنی وظیفه‌شناسی یا پذیرش مسئولیت در قبال عملکرد فردی، را ارائه می‌کند. بدین صورت که پس از پایان یافتن کار سه خلیفه پیشین، مردم به سوی ایشان هجوم آوردند و زمامداری حکومت را بر آن حضرت (ع) تحمیل کردند. در چنین موقعیتی این مسئولیت‌پذیری امام (ع) است که ایشان را به گردن نهادن به خواسته مردم وامی‌دارد؛ چنان‌که می‌فرماید:

وَ الَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ، وَ بَرَأَ النَّسَمَةَ، لَوْلَا حُضُورُ الْحَاضِرِ، وَ قِيَامُ الْحُجَّةِ بُوْجُودِ النَّاصِرِ، وَ مَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَى الْعُلَمَاءِ أَنْ لَا يُقَارُوا عَلَى كِطَّةِ ظَالِمٍ وَ لَا سَعْبِ مَظْلُومٍ، لِأَلْقَيْتُ حَبْلَهَا عَلَى غَارِبِهَا، وَ لَسَقَيْتُ آخِرَهَا بِكَأْسِ أَوْلَاهَا، وَ لَأَلْفَيْتُمْ دُنْيَاكُمْ هَذِهِ أَرْهَدَ عِنْدِي مِنْ عَقْطَةِ عَنَزٍ! هان! به خدایی که دانه را شکافت، و انسان را به وجود آورد، اگر حضور حاضر، و تمام بودن حجت بر من به خاطر وجود یاور نبود، و اگر نبود عهدی که خداوند از دانش‌مندان گرفته که در برابر شکم‌بارگی هیچ ستم‌گر و گرسنگی هیچ مظلومی سکوت نمایند، دهنه شتر حکومت را بر کوهانش

می‌انداختم، و پایان خلافت را با پیمانۀ خالی اولش سیراب می‌کردم، آن وقت می‌دیدید که ارزش دنیای شما نزد من از اخلاط دماغ بز کم‌تر است!

همان‌طور که مشاهده شد، خطبۀ شقشقیه پر بود از نمونه‌هایی برای اثبات قابلیت‌های فردی و اجتماعی امام علی (ع) در امر مدیریت و جهت‌بخشی هیجان‌ها که این خود شیرازۀ هوش هیجانی است و با دقت نظر در روند امور و واکنش‌های هماهنگ و کارساز امام (ع) نسبت به آن‌ها، می‌توان گفت که نمونه‌هایی از قابلیت اجتماعی نیز درباره رفتارهای هیجانی ایشان صدق می‌کند. برای مثال:

چشم‌پوشی امام علی (ع) از حق خدایی خود در آن موقعیت، نمونه‌ای از انطباق‌پذیری و انعطاف در پذیرش تغییر و کنترل آن است؛ زیرا همه‌چیز، درباره امور مربوط به خلافت، از روال طبیعی و منطقی خود خارج شد؛ اما ایشان طی شناخت هیجان درونی خویش و سپس کنترل آن به این نتیجه رسید که پذیرش تغییر و شرایط پیش‌آمده بهترین تصمیم خواهد بود. نکته جالب توجه این‌که امام علی (ع) پس از پذیرش تغییر و یا به عبارتی بیعت تحمیلی، هیچ‌گاه سعی در زیر پا گذاشتن عهد و پیمان خویش نداشت و حتی در بسیاری از امور مملکتی، اعم از سیاسی و قضایی، بهترین و اولی‌ترین مشاور برای خلفا، مخصوصاً در زمان خلیفۀ دوم، بود. وجود امام (ع) و مشاوره‌های ایشان در این زمان به‌قدری حیاتی و پررنگ بود که به نقل از کتب تاریخ عمر بارها این جمله را بر زبان آورد که: لولا علی لَهلك عُمر (اگر علی نبود قطعاً عمر هلاک می‌گشت).

می‌بینیم که برخورداری امام علی (ع) از هوش هیجانی بالا و توانمندی ایشان در کنترل و مدیریت صحیح هیجان‌ها باعث می‌شود که امام (ع) با اندیشه به مصالح اسلام و مسلمین نه فقط از حق مسلم خویش بگذرد، بلکه بر سر عهد و میثاق خود بماند و خلفا را نیز در مسائل مربوط به امر خلافت یاری دهد. این واقعه را می‌توان نمونه بارزی برای شایستگی‌های متعددی از هوش هیجانی دانست، از آن جمله:

- تعهد: هم‌سوئی با اهداف گروه و سازمان؛
- شناخت و درک دیگران: شناخت عواطف و دیدگاه دیگران و تأثیر آن در تصمیمات؛
- مدیریت تضاد: گفت‌وگو و رفع مخالفت‌ها؛
- تسریع تغییر: ابتکار یا مدیریت کردن تغییر.

در جمع‌بندی‌ای نهایی به این‌جا می‌رسیم که خطبۀ «شقشقیه» با محتوای خاص خود در میان خطبه‌های نهج‌البلاغه کم‌نظیر یا بی‌نظیر است و این نشان می‌دهد که علی (ع) در موقعیت خاصی آن را بیان فرموده است تا واقعیت‌های مهم مربوط به

خلافت پیامبر اسلام (ص) به فراموشی سپرده نشود و برای ثبت در تاریخ همیشه بماند و صراحت فوق‌العاده‌ای که علی (ع) در این خطبه به خرج داده است به همین منظور است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰: ۱/ ۴۰۸). البته ابراز یا کنترل هیجان‌ها از سوی امام (ع) همگی در راستای اهداف اسلام و رضایت خداوند متعال بوده است که می‌توان آن را مهر و محبت الهی نام نهاد.

۹. خطبه جهاد

بیست و هفتمین خطبه نهج‌البلاغه «جهاد» نام دارد. خطبه‌ای که در آن امیرالمؤمنین (ع) مردم زمان خویش را از فضایل جهاد آگاه کرده است، سپس ایشان را برای طفره رفتن از اقدام بدین امر الهی توییح می‌کند و لب به شکوه و گلایه می‌گشاید. در شرح ابن میثم پیرامون خطبه جهاد و علت ایراد آن چنین آمده است که: «خطبه بیست و ششم از خطبه‌های معروفی است که ابوالعباس مبرّد و دیگران آن را نقل کرده‌اند. دلیل مشهور ایراد این خطبه این است که مردی به نام علج از مردم شهر انبار بر آن حضرت وارد شد و خیر داد که سفیان بن عوف غامدی به فرماندهی سپاه معاویه به شهر انبار وارد شده و کارگزار آن حضرت حسان بن حسان بکری را به شهادت رسانده است (ابن میثم، ۱۳۷۵: ۲/ ۷۲). ابن میثم در ادامه می‌افزاید که علی (ع) پس از شنیدن این خبر مردم را به پیکار علیه معاویه می‌خواند، اما آنان خاموش می‌مانند پس امام (ع) داد سرزنش و گلایه از ایشان سر می‌دهد. از آن جا که ساختار خطبه بر پایه شکایت و توییح است و علی (ع) آن را با بیانی احساسی و در حالتی دل‌گیر از یاران خویش ایراد فرموده است، می‌توان هیجان در چنین شرایطی و تأثیر آن بر گفتار و عملکرد امام (ع) را بررسی کرد.

۱.۹ رهبری: تقویت روحیه و هدایت افراد گروه

امام علی (ع) پس از بیان محاسن و فضایل «جهاد»، با توصیفات گوناگون، زمام کلام را به دست احساس مدیریت‌شده خود می‌سپرد و درباره آن چه می‌باید اما نشد لب به اعتراض می‌گشاید. اولین جلوه هیجانی نمودیافته در شخصیت علی (ع) در این خطبه آن جاست که می‌فرماید:

قُلْتُ لَكُمْ: اغزؤهم قَبْلَ أَنْ يَغزؤكُمْ، فَوَاللَّهِ مَا غَزَى قَوْمٌ قَطُّ فِي عَقْرِ دَارِهِمْ إِلَّا دَلُّوا؛ به شما گفتم که با اینان بجنگید پیش از این که با شما بجنگند، به خدا قسم هیچ ملتی در خانه‌اش مورد حمله قرار نگیرد مگر این که دلیل شد.

این جمله امام (ع) نمونه ای روشن برای فرایند رهبری و به عبارتی تقویت و هدایت افراد گروه است. علی (ع) ضمن اشاره به این که پیش از این نیز آنان را به جهاد علیه دشمن دعوت کرده است، دگر بار با بیانی کنایی به ایشان می فهماند که پیش از اقدام دشمن باید برای جنگ خارج شوند. علاوه بر جنبه هدایت‌گری امام علی (ع) در این زمینه، تحلیل روان‌شناسی این تدبیر نظامی - سیاسی بدین گونه است که: «توهمات ذهنی روی جسم و بدن تأثیری شگفت دارند. گاهی موجب فزونی قوت و نیرو و گاهی سبب نقصان آن می‌شوند. گاهی توهم بیماری موجب بیماری شخص سالم، و گاهی بر عکس توهم سلامت سبب صحت و بهبود بیمار می‌شود. علت خواری و ذلت کسی که در داخل خانه‌اش مورد حمله قرار گیرد، هر چند شجاع باشد، همین توهمات است؛ توهم از ناحیه هر دو گروه. توهم آن‌که مورد حمله قرار گرفته این است که اگر دشمن قوی و نیرومند نبود حمله نمی‌کرد. این توهم سبب ضعف و سستی می‌شود؛ نفس‌ها تحت تأثیر قرار می‌گیرد و از مقاومت باز می‌ماند؛ در تحرک و تلاش ناتوان می‌شود؛ غیرت، شجاعت و حمایت از ناموس را از دست می‌دهد و دچار اخلاق پست، خواری و ذلت می‌شود. خیالات وهم‌انگیز حمله‌کنندگان نیز موجب می‌شود که گمان کنند چون آن‌ها حمله را آغاز کرده‌اند، دشمن ضعیف و ناتوان است. این پندار طمع و دل‌بستگی آنان را بر عجز و ناتوانی خصم، فزونی می‌بخشد و این باور را در آن‌ها به وجود می‌آورد که مخالفان قادر به مقاومت نیستند» (همان: ۷۸ / ۲، ۷۹).

۲.۹ تشریک مساعی و مشارکت: کار گروهی به منظور رسیدن به اهداف مشترک

امام (ع) در ادامه می‌فرماید:

فَتَوَاكَلْتُمْ وَتَخَذَلْتُمْ حَتَّى سُنْتُ عَلَيْكُمُ الْغَارَاتُ، وَ مُلِكْتُ عَلَيْكُمُ الْأَوْطَانُ؛ شما مسئولیت جهاد را به یک‌دیگر حواله کردید و به یاری یک‌دیگر برنخاستید تا دشمن از هر سو بر شما تاخت و شهرها را از دست شما گرفت.

و این خود نشان‌دهنده اهتمام ایشان به تعاون و هم‌کاری است که یکی از صفات ارزش‌مند رهبری است و برای تطبیق آن با مؤلفه‌های هوش هیجانی می‌توان آن را در ذیل دو بخش: ۱. تشریک مساعی و مشارکت و ۲. ظرفیت‌های گروهی، که دو مؤلفه پایانی از قابلیت‌های اجتماعی هستند، قرار داد. در توضیح هر کدام از این دو بخش می‌توان گفت که نتیجه آن هم‌افزایی در گروه برای رسیدن به اهداف جمعی است و چون روز روشن است

که مقصود علی (ع) از سرزنش یاران از دست رفتن هدف ایشان، که شکست دشمن بود، به دنبال اهمال در امر تعاون بوده است. قصور مردم کوفه در اتحاد خویش آن چنان امام (ع) را مغموم ساخته بود که چند سطر بعد از آن می‌افزاید:

فَيَا عَجَبًا عَجَبًا! وَاللَّهِ يُمِيتُ الْقُلُوبَ، وَ يَجْلِبُ إِلَيْهِمْ اجْتِمَاعُ هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ عَلَى بَاطِلِهِمْ، وَ تَفَرُّقُكُمْ عَنْ حَقِّكُمْ؛ عَجَبًا عَجَبًا! به خدا سوگند که اجتماع اینان بر باطلشان و پراکندگی شما از حقتان دل را می‌میراند، و باعث جلب غم و غصه است.

۳.۹ انطباق‌پذیری: انعطاف در پذیرش تغییر و کنترل آن

ایشان پس از ذکر ننگی که با غارت شهر انبار بر پیشانی کوفیان نشسته بود، خطاب به اهل کوفه می‌فرماید:

فَإِذَا أَمَرْتُكُمْ بِالسَّيْرِ إِلَيْهِمْ فِي أَيَّامِ الْحَرِّ قُلْتُمْ: هَذِهِ حَمَارَةٌ الْقَيْظِ، أَمْهَلْنَا يُسَبِّحُ عَنَّا الْحَرُّ. وَإِذَا أَمَرْتُكُمْ بِالسَّيْرِ إِلَيْهِمْ فِي الشِّتَاءِ قُلْتُمْ: هَذِهِ صَبَارَةٌ الْقُرِّ، أَمْهَلْنَا يَنْسَلِخُ عَنَّا الْبَرْدُ. كُلُّ هَذَا فِرَارٌ مِنَ الْحَرِّ وَالْقُرِّ. فَإِذَا كُنْتُمْ مِنَ الْحَرِّ وَالْقُرِّ تَفْرُونَ فَأَنْتُمْ وَاللَّهِ مِنَ السَّيْفِ أَقْر؛ در تابستان شما را دعوت به جهاد آنان می‌کنم گوید: هوا گرم است، مهلت ده تا گرما برود. و در زمستان شما را می‌خوانم گوید: هوا سرد است، مهلت ده تا سرما بنشیند. همه این بهانه‌ها برای فرار از گرما و سرماست. شما که از گرما و سرما می‌گریزید پس به خدا سوگند از شمشیر گریزان‌تر خواهید بود.

علی (ع) که در مقام رهبر و وظیفه خود را در قبال مسلمین خوب می‌داند، در هر فرصتی ایشان را به ستیز با دشمن فرا می‌خواند، اما می‌بینیم که در هر موقعیتی با بهانه‌ای از اطاعت امر سر باز می‌زنند و در این جا باز هم این علی (ع) است که برای هم‌سوئی با مردم خویش بهانه‌های ایشان را می‌پذیرد و شرایط پیش‌آمده را کنترل می‌کند. این حالت را می‌توان نمونه‌ای برای انطباق‌پذیری (انعطاف در پذیرش تغییر و کنترل آن) و یا حتی نمونه‌ای برای مؤلفه تعهد (هم‌سوئی با اهداف گروه و سازمان) دانست.

۴.۹ نفوذگذاری: استفاده از فنون اثربخش برای متقاعد کردن دیگران

خوب است بدانیم که تمام تلاش‌ها و دل‌مشغولی‌های امام علی (ع) برای به ساحل رساندن کشتی اسلام بود که پس از سال‌ها سکان‌داری نااهلان بر آن به دست امام (ع) رسیده بود و باز در گذر امواج هولناک و طوفان‌های متلاطم از هیچ کوششی فروگذار نبود. ایشان حتی

برای برانگیختن هیجان کوفیان هر راهی را می‌پوید. مثلاً داستان استرجاع و استرحام آن زن مسلمان و دیگری را ذکر می‌کند؛ زیرا نیک می‌داند که غیرت جنون‌آمیز بر زن و ناموس برای عرب‌هایی که از سنت‌های جاهلی‌شان دیرزمانی نگذشته است بیش از هر چیز می‌تواند ایشان را بر باد غیرت سوار کند و علیه دشمن بشوراند و حتی در مرحله‌ای فراتر آنان را نامرد خطاب می‌کند:

یا أَشْبَاهَ الرَّجَالِ وَلَا رِجَالَ، حُلُومُ الْأَطْفَالِ، وَ عُقُولُ رَبَاتِ الْجِجَالِ؛ ای نامردان مردنما، دارندگان رویاهای کودکانه، و عقل‌هایی به اندازه عقل زنان حجله‌نشین.

خطاب کردن یک مرد به نامرد برای هر مردی، حتی در زمانه ما، تأثیربرانگیز و دردآور است؛ چه رسد به اعرابی که در آیین پدرانشان زن آن چنان بی‌ارزش و مایهٔ حقارت بود که دختران خویش را زنده به گور می‌کردند و حتی در دنیای امروز ما تعدد زوجین در میان مردان عرب امری رایج است. خلاصه آن‌که، نفوذگذاری یا استفاده از فنون اثربخش برای متقاعد کردن دیگران و به عبارتی برانگیختن هیجانات افراد گروه را، که اولین بخش از قابلیت‌های اجتماعی است، در این قسمت از فرمایشات امام علی (ع) به وضوح می‌بینیم.

۵.۹ آگاهی هیجانی: شناخت/ درک هیجانات خود و آثار آن

امام (ع) پس از بیان گلایه و شکوه آمیخته با اندوه خود، با شناخت و ابراز هیجان و اندوه درونی خویش گویی تمام غصهٔ انباشته در دل را بر مرکب این واژه‌ها سوار کرد تا بگوید:

قَاتَلَكُمُ اللَّهُ، لَقَدْ مَلَأْتُ قَلْبِي قَيْحًا، وَ شَحَنْتُ صَدْرِي غَيْظًا، وَ جَرَعْتُ مَوْنِي نَغَبَ التَّهْمَامِ أَنْفَاسًا؛ خدا شما را بکشد، که دلم را پر از خون کردید و پی در پی جرعهٔ اندوه به کامم ریختید.

باری چه اندوه بزرگی در دل می‌باید که زبان را به بیان این چنین عبارت گریه‌آوری گشوده و به حق یک‌بار خواندن این عبارت بار غم را در دل خوانندهٔ آن می‌نشانند، زیرا امام (ع) با همین جملهٔ کوتاه ما را از دل غم‌بار خویش باخبر کرده است.

۶.۹ خودارزیابی صحیح: شناخت/ درک نقاط قوت، ضعف و محدودیت‌های خود

حسن ختام نمونه‌های جلوه‌یافتهٔ هوش هیجانی در این خطبهٔ سراسر اندوه و عاطفه خودارزیابی صحیح امام علی (ع) از نقاط قوت، ضعف و محدودیت‌های خویش است:

هَلْ أَحَدٌ مِنْهُمْ أَشَدُّ لَهَا مِرَاسًا وَأَقْدَمَ فِيهَا مَقَامًا مِنِّي؟! لَقَدْ نَهَضْتُ فِيهَا وَمَا بَلَغْتُ الْعِشْرِينَ،
وها أنا إذا قد ذُرْفْتُ عَلَى السَّيْنِ؛ آیا هیچ‌کدام آنان کوشش و تجربه مرا در جنگ داشته؟ و
پیش‌قدمی‌اش از من بیش‌تر بوده؟ هنوز به سن بیست‌سالگی نرسیده بودم که آماده جنگ
شدم، اکنون عمرم از شصت گذشته.

این جمله را می‌توان نشانه شناخت درست امام (ع) از نقاط قوت خویش دانست و
البته در ادامه همین جمله و به عنوان آخرین جمله خطبه، که امروزه مثالی سائر گشته
است، می‌فرماید:

لا رَأَى لِمَنْ لَا يُطَاعُ؛ هر که را اطاعت نشود تدبیر نیست.

منظور علی (ع) این است که شما با نافرمانی‌های خود تدبیر مرا ضایع کردید و
کسی که از اندیشه و تدبیرش اطاعت نشود همانند کسی است که اصلاً تفکر و اختیاری
نداشته است. در نتیجه امام (ع) نافرمانی یاران را عامل نگرش منفی دیگران به تدبیر خود
و محدودیتش می‌شناسد. البته ما این شناخت صحیح حضرت (ع) را به عنوان یکی دیگر
از برهان‌های اثبات هوش هیجانی بالای ایشان برمی‌شماریم؛ زیرا همین یک جمله نشان
می‌دهد که امام (ع) از محدودیت و یا موقعیت خود در میان یاران خویش کاملاً آگاه
است و این امر نتیجه شناخت صحیح ایشان از مخاطبان است. بنابراین، آگاهی امام
علی (ع) از اطاعت‌ناپذیری یاران خویش یعنی خبر از شناخت مخاطبان و محدودیتی که
برای ایشان ایجاد کرده‌اند.

۱۰. نتیجه‌گیری

نهج‌البلاغه به منزله یک اثر ادبی غنی نمونه‌ای کامل برای شیوایی و بلاغت گفتار شناخته
شده و به موجب آن علی (ع) در صدر اربابان سخن‌قرار گرفته است. بی‌تردید در کنار
استناد تاریخی به سیره امام علی (ع) نسبت دادن صفاتی چون بلاغت، علم، حکمت،
سیاست، اقتصاد، و ... برای ایشان همگی از گذرگاه نهج‌البلاغه و با تکیه بر آن صورت
گرفته است. مطالعه نهج‌البلاغه از منفذ و دیدگاه روان‌شناسی، که اساس آن شناخت پیوند
میان احساس علی (ع) با جای‌گاه و موقعیت ایراد خطبه و تأثیر این دو بر واکنش ایشان
است، ما را به یکی دیگر از صفات برجسته این یگانه دوران، که همان برخورداری از هوش
هیجانی بالاست، رهنمون می‌کند. بسیاری از خطبه‌های نهج‌البلاغه می‌تواند روشن‌گر
ویژگی‌های شخصیتی امام علی (ع) در ابعاد مختلف باشد و ارتباط هوش هیجانی با دو

خطبه عاطفی و تاریخی «ششقیه» و «جهاد» فقط بیان یکی از ویژگی‌های شخصیتی آن حضرت است. از سوی دیگر با توجه به شخصیت منحصر به فرد علی (ع)، که دارای عصمت و قدرتی قریب به وحی و الهامات الهی بوده است، نمی‌توان همه عملکردهای ایشان را در قالب هوش هیجانی قرار داد. بنابراین انتخاب دو خطبه مزبور فقط مشتی است از خروارها احساس و هیجاناتی چون غم و حسرت و گاه شادی که بر سراسر نهج‌البلاغه سایه افکنده و امام علی (ع) با مدیریت صحیح و به‌کارگیری به موقع آن‌ها گام‌های بلندی در راه اسلام و فقط برای رضای خالق خود برداشته است. نتیجه این‌که عاطفه و مهر و محبت الهی بیش‌ترین تجلی را در نهج‌البلاغه داشته است و حتی می‌توان هدف اصلی کنترل و مدیریت هیجانات را رسیدن به رضای الهی یا همان مهر الهی دانست و با تکیه بر گواه تاریخ و آنچه از زبان خاص و عام پیرامون امام (ع) به گوش می‌رسد می‌توان نتیجه گرفت که نبوغ و توانمندی ایشان در کنار هوش هیجانی بالا از عوامل موفقیت در مدیریت هیجانات متناسب با مقتضای حال بوده است.

منابع

- نهج‌البلاغه (۱۳۷۹). گردآورنده شریف‌الرضی، مترجم: محمد دشتی، قم: نشر مشهور.
- آرمسترانگ، ت. (۱۳۸۷). هوش‌های چندگانه در کلاس‌های درس، ترجمه م. صفری، تهران: مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان.
- آقایار، سیروس و پرویز شریفی درآمدی (۱۳۸۶ الف). هوش هیجانی سازمانی، اصفهان: سپاهان.
- آقایار، سیروس و پرویز شریفی درآمدی (۱۳۸۶ ب). هوش هیجانی - کاربرد هوش هیجانی در قلمرو هیجان، اصفهان: سپاهان.
- انصاریان، استاد حسن. ترجمه نهج‌البلاغه، دارالعرفان، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حضرت استاد حسن انصاریان http://www.erfan.ir/farsi/nahj/nsm_proj/main.php
- بحرانی، میثم بن علی بن میثم (۱۳۷۵). شرح نهج‌البلاغه، ترجمه ق. محمدی مقدم و ع. نوایی یحیی‌زاده، مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.
- برادبری، ت. و ج. گریوز (۱۳۸۶). هوش هیجانی: مهارت‌ها و آزمون‌ها، ترجمه م. گنجی، تهران: ساوالان.
- جرداق، جرج (۱۳۷۹). امام علی (ع)، صدای عدالت انسانی، ترجمه سیدهدادی خسروشاهی، ج ۱، تهران: کلبه شروق.
- خوانساری، جمال‌الدین محمد (۱۱۲۵ ق). شرح غرر الحکم و درر الکلم، قم: مؤسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان [منبع الکترونیکی <http://library.tebyan.net>].

۸۰ امام علی (ع) و مدیریت عواطف در خطبه‌های «شش‌شقیه» و «جهاد»

- دواجی، آ.، ابراهیمی، و س. طباطبایی (۱۳۷۳). روان‌شناسی عمومی برای دانش‌جویان پرستاری، مامایی، پیراپزشکی، تهران: شهرآب.
- طالقانی، م. (۱۳۷۴). پرتوی از نهج‌البلاغه، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- کیاروچی، ج.، ج. پ. فورکاس، و ج. د. مییر (۱۳۸۵). هوش هیجانی در زندگی روزمره (کتاب‌وکاوی علمی)، ترجمه ج. نجفی زند، تهران: سخن.
- گلدمن، د. (۱۳۸۳). هوش هیجانی، ترجمه ن. پارسا، تهران: رشد.
- گنجی، ح. (۱۳۸۷). روان‌شناسی و سنجش هوش، تهران: کتاب مریم.
- مکارم شیرازی، ن. (۱۳۸۰). پیام امام شرح تازه و جامعی بر نهج‌البلاغه، تهران: دارالکتب الإسلامیة.
- نواب لاهیجی، میرزا محمدباقر (۱۲۴۰ ق). شرح نهج‌البلاغه، تهران: نشر کتابچی.
- هاگس، م. و هم‌کاران (۱۳۸۸). هوش هیجانی و رهبری سازمانی، ترجمه ع. گودرزی، تهران: انتشارات مرکز آموزش و تحقیقات صنعتی ایران.

